

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال یازدهم / دوره جدید / شماره ۴۲ / زمستان ۱۳۹۴
صص ۶۸-۸۲

دعادرقرآن وعهدعتیق

● محمدجواد شمس

استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

shamsmohammadjavad@yahoo.com

● حمداله ادیم

کارشناس ارشد ادیان ابراهیمی دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)

barankapar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۲

چکیده

در طول تاریخ، زیباترین و دلنشین‌ترین لحظات زندگی انسان مؤمن، دعا کردن به درگاه خداوند متعال بوده است. تکیه کردن به بالاترین قدرت هستی و توجه به مبدأ وجود، و بی‌نیازی از سایر موجودات، موجب آرامش روحی فرد می‌شود. می‌توان گفت مهم‌ترین عنصر مشترک بین انسانهای دین‌دار در ادوار مختلف، دعا بوده و هست، چنان‌که زبان گفتگوی همه انسانهای مؤمن در ادیان مختلف، دعا بوده است و از این طریق با معبود حقیقی خویش به راز و نیاز پرداخته و حواشی خویش را از او طلب می‌کردند. در این مقاله، با مراجعه به متون مقدس و روایات معتبر، اهمیت دعا، نقش دعا در زندگی مؤمنان، اخلاص در دعا، عنصر زمان و مکان در دعا، دعاهای فردی و اجتماعی، و دیگر موضوعات کلیدی و عنوانهای مشترک و متفاوت نیایشی دو دین آسمانی اسلام و یهود، از منظر قرآن و عهد عتیق مورد پژوهش قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: دعا، اسلام، یهود، قرآن، عهد عتیق.



مقدمه

دعا در ادیان آسمانی از جایگاه خاصی برخوردار است و انسانها همواره برای رشد و تعالی فکری و روحی خود از طریق دعا با خالق خویش ارتباط برقرار نموده و نیازهای خود را بیان می‌کنند. از سویی انسان برای پذیرش دعا در محضر خداوند سبحان، باید شرایط پذیرش آن را فراهم نماید. در فرهنگ ادیان الهی، نگاه انسان درباره دعا با این رویکرد است که خداوند می‌فرماید: اگر مرا بخوانید، قطعاً دعای شما را اجابت می‌کنم، و این سخن خداوند ضمانتی است برای ایجاد اعتماد به او، به شرط انجام قوانین الهی و رعایت بندگی از سوی انسان. می‌توان گفت: دعا در طول تاریخ در همه ادیان به عنوان رابطه انسان با خداوند تلقی می‌شود و در بیشتر ادیان، ابزاری است که به وسیله آن گسستگی از جهان الهی، از میان برداشته می‌شود و در حقیقت، دعا، در رایج‌ترین معنا، عبارت است از کلمات و نصوص ویژه‌ای که به کمک آن انسان با ذات الهی ارتباطی معنوی برقرار می‌کند، مانند قدیش^۱ در یهودیت و دعاهای نماز در اسلام.^۲ طبرسی در تفسیر آیه ۷۵ سوره نساء «وَأَجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»، می‌گوید: این آیه کریمه، نقش و ارزش دعا را روشن می‌سازد و نسبت عقاید باطل درباره دعا و اینکه دعا بی‌ثمر است، را بیان می‌کند که اگر دعا بی‌نتیجه بود، خداوند از یک سو دعا را ترسیم نمی‌کرد و از سوی دیگر وعده به اجابت آن را نمی‌داد.^۳ مهم‌ترین انگیزه در انتخاب موضوع آن است که دعا همواره در سیر تاریخی ادیان از مهم‌ترین نیازهای اساسی انسان شمرده شده است و تنها راه نجات او در هنگام

شداید و سختیهای دنیا و مهم‌ترین و راحت‌ترین طریق ارتباط او با خداوند است که با خشوع و فروتنی در برابر خداوند انجام می‌پذیرد.

از عوامل مهم در جلب امداد غیبی برای کمک و یاری کردن مؤمنان در قرآن و عهد عتیق، دعا و درخواست از خداوند است. در قرآن کریم، مسلمانان برای پیروزی در جنگ بدر از خداوند استمداد می‌کنند: «إِذْ تَسْتَعِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ»^۴، همچنین طالوت فرمانروای بنی اسرائیل، از خداوند درخواست پیروزی می‌کند: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^۵. در عهد عتیق نیز نجات بنی اسرائیل از یوغ فرعون و رهایی آنان از بردگی مصریان، در نتیجه استغاثه و دعای قوم دانسته شده است: «يَهُوهَ كَفَت: هر آینه مصیبت قوم خود را که در مصرند دیدم و استغاثه ایشان را از دست سرکاران ایشان شنید؛ زیرا غمهای ایشان را می‌دانم»^۶ و در ادامه آمده است: «الآن اینک استغاثه بنی اسرائیل نزد من رسیده است و ظلم مصریان بر ایشان را دیده‌ام. پس اکنون بیا تا تو را نزد فرعون بفرستم و قوم من بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوری»^۷. همچنین به دعای اشخاصی چون موسی، داود، سلیمان، عزرا و نحیمیا برای نجات قوم نیز اشاره می‌کند. آبراهام جاشوئا هشل در مقاله‌ای با عنوان «درباره دعا» می‌نویسد: «ما دعا می‌کنیم برای آنکه دعا کنیم ... من دعا می‌کنم؛ زیرا نمی‌توانم دعا کنم ... ما دعای قدیش را بر زبان می‌آوریم: مجلل و مقدس باد نام بزرگ او در سراسر جهان که براساس اراده خود آفریده است. امید ما تحقق و واقعیت بخشیدن به

۴. انفال، ۹.

۵. بقره، ۲۵۰.

۶. خروج، ۳: ۷.

۷. خروج، ۳: ۹ و ۱۰.

۱. «Qaddish» در لغت یعنی تقدیس؛ یک قسم دعای یهودی است که مضمون آن، ستایش خداوند و تقدیس نام پروردگار است.

۲. «دعا از سه منظر»، ص ۶۸.

۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۹۸.





تقدیس نام او در اینجا و اکنون است».^۸ اما نکته قابل تأمل هنگام دعا، زبان دعا است که تاریخ شکل‌گیری آن بنا بر متون مقدس قرآن و تورات به هبوط حضرت آدم (ع) بازمی‌گردد؛ از جمله در قرآن کریم آمده است که حضرت آدم (ع) با چه کلماتی احساس درونی خود را به زبان آورد و به سوی خدای خویش بازگشت: «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ».^۹ در تاریخ انبیای الهی، شاهد نیایشها و طلب آمرزشهای بسیار از خداوند هستیم که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود. سؤالی که این مقاله به دنبال پاسخ به آن است، این است که مفهوم دعا در ادیان آسمانی اسلام و یهود چیست و با چه کیفیت و شرایطی باید اجرا گردد، تا از سوی خداوند مورد تأیید قرار گیرد؟

معنای دعا

دعا، مصدر عربی است و به معنای فراخواندن، یاری خواستن، نیایش کردن، عبادت و بندگی و ستودن پروردگار به کار رفته است.^{۱۰} دعا، طلب از وجود برتر برای نجات از سختیها و رسیدن به درخواستها است.^{۱۱} در جایی دیگر اصل دعا را درخواست کردن از چیزی می‌دانند برای حرکت یا میل و رغبت به سمت کسی بر حسب نیاز که این معنا در ترکی به چاغرماق و در فارسی به دعوت کردن و خواندن تعبیر می‌شود.^{۱۲} دعا، در کتب لغت به معانی مختلفی آمده است: استغاثه؛^{۱۳} میل و رغبت به سوی خداوند و درخواست

حاجت از او در هنگام گرفتاری و پناه بردن به او؛^{۱۴} طلب و سؤال؛^{۱۵} نیایش؛ درخواست حاجت از خداوند در هنگام گرفتاری و پناه بردن به او.^{۱۶} ابن فارس می‌نویسد: «دعا یک معنی اصلی دارد و آن میل دادن چیزی به سوی خود با صدا و گفتار است».^{۱۷} گذشته از معنای لغوی، دعا در قاموس اهل‌دل معنای خاصی دارد و آن حالت روحی است که میان انسان و معبودش رابطه انس ایجاد می‌کند و او را در جاذبه ربوبی قرار می‌دهد.^{۱۸}

با این همه، معنای اصلی دعا، خواندن و صدا کردن و کسی را با ادا و کلام متوجه خویش کردن است.^{۱۹} در لسان العرب آمده است: «دعا الرجل، ای ناداه».^{۲۰} اما در اصطلاح عبارت است از: خدا را خواندن و رابطه برقرار کردن با او، اعم از اینکه متعلق این خواندن و غرض دعا کننده «رازگویی و اقرار» باشد یا «ستایش، تعمید و تسبیح» یا «طلب و درخواست حوایج مادی» یا «طلب آمرزش گناه و استغفار» یا هر چیز دیگر. چنان‌که در نفایس الفنون آمده است: دعا، طلب کردن حاجت است از حضرت باری تعالی به تضرع و اخلاص و گاهی غرض از دعا، فقط مدح و ثنا است که بیشتر ادعیه خواص و اولیا که از ماسوی الله اعراض نموده‌اند، از این قبیل است.^{۲۱}

کلمه دعا و مشتقات آن مانند (داعی و ...) در قرآن کریم، ۱۴۲ مرتبه و به معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله: استمداد، فریادرس جستن و کمک خواستن: «قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا

۱۴. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۱۵.

۱۵. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۱۶. صحاح اللغة، ج ۴، ص ۲۳۳۷.

۱۷. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۷۹.

۱۸. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۶۲.

۱۹. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۷۹.

۲۰. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۸.

۲۱. نفایس الفنون، ص ۱۲۸.

۸. «دعا از سه منظر»، صص ۷۶ و ۷۷.

۹. بقره، ۳۷.

۱۰. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۵۹.

۱۱. شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، ص ۱۷.

۱۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۰۵.

۱۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۵۹.

لَوْ نَهَا»^{۲۲} نفرین: «قُلْ اَدْعُوا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَا تَدْعُوا»^{۲۳} گاهی برای افاده مفهوم دعا از واژه «صلاة» استفاده شده است و عبارت «صليتُ عليه»، به معنای برای او دعا کردم، آمده است،^{۲۴} مانند: «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ»^{۲۵} تشویق و ترغیب کردن: «وَاللّٰهُ يَدْعُوْا اِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ»^{۲۶} کمک خواستن: «وَ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَأْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ»^{۲۷} خواندن: «لَّا تَجْعَلُوْا دُعَاءَ الرَّسُوْلِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»^{۲۸}.

دعا در اسلام

دعا در زندگی همه مؤمنان مذاهب اسلامی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است و از ارکان اساسی و بنیادین اعتقادات مذهبی آنها محسوب می‌گردد. مالک بن انس درباره اهمیت دعا نزد پیامبر اسلام(ص) می‌گوید: پیامبر اکرم(ص) در دعا چنان دست برمی‌داشت که سپیدی زیر دست وی دیده می‌شد و به انگشتان اشارت نکردی، و عمر می‌گوید: چون پیامبر دست به دعا برمی‌داشت آن را باز نگردانیدی تا آن‌گاه که بر صورت مالیدی.^{۲۹} همچنین قرآن کریم در زمینه اهمیت و نقش دعا در زندگی مسلمانان می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّيْ لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ

كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُوْنُ لِزَامًا»^{۳۰} در این آیه خداوند متعال با عنوان «رب» یاد شده که نشان دهنده ارتباط نزدیک عنصر دعا با موضوع ربوبیت است و روشن است که با وجود اعتقاد به ربوبیت او است که می‌توان به سویش، روی آورد و بدون اعتقاد به پروردگار حق تعالی، دعا محقق نمی‌شود و از طرفی دعا خود، عاملی بسیار مهم و مفید در تقویت این عقیده در جان مؤمن است و ملاحظه می‌شود که در آغاز اکثر دعاهای قرآنی، خداوند بزرگ با عنوان «ربنا» و مانند آن مخاطب قرار گرفته و محل سؤال و طلب واقع شده است، مانند: «رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلٰى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ»^{۳۱}.

به برخی اوقات برای دعا کردن اشاره شده است که انسان می‌تواند در چنین اوقاتی، رابطه خود را با خداوند مستحکم کند و به پذیرش دعای خویش توسط او بیشتر امید داشته باشد و از سویی دعا در چنین اوقاتی نشانه کمال ادب دعا کننده در پیشگاه خداوند است، برای نمونه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود: دعا در نیمه شب و سحرگاهان: «وَبِالْاَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُوْنَ»^{۳۲} «در سحرگاهان به طلب استغفار مشغول‌اند»؛ دعا بین اذان و اقامه: انس بن مالک می‌گوید: رسول اکرم(ص) فرموده است: دعا بین اذان و اقامه رد نمی‌شود، پس دعا کنید؛^{۳۳} دعا در نماز: در صحیح مسلم آمده است: نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگارش در حالت سجود است که پیشانی خویش را به آستانه عبودیت در سجده بر زمین نهاده است، پس در آن بسیار دعا کنید؛^{۳۴} دعا در

۲۲. بقره، ۶۹.

۲۳. اسراء، ۱۱۰.

۲۴. مفردات الفاظ القرآن، صص ۴۹۰ و ۴۹۱.

۲۵. توبه، ۱۰۳.

۲۶. یونس، ۲۵.

۲۷. بقره، ۲۳.

۲۸. نور، ۶۳.

۲۹. احیاء علوم الدین، ص ۶۶۴.

۳۰. فرقان، ۷۷.

۳۱. بقره، ۲۵۰.

۳۲. ذاریات، ۱۸.

۳۳. سنن الکبری، ج ۶، ص ۲۲.

۳۴. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۰.





روز جمعه: از مهم‌ترین ویژگیهای روز جمعه این است که خداوند آن را بر سایر روزها برتری داده و دعا کردن در این روز مبارک نزد خداوند بسیار اهمیت دارد؛ دعا در روزها و اعیاد مهم اسلامی مانند عید قربان، ایام ماه مبارک رمضان به ویژه شبهای قدر، عید فطر و روز عرفه: اهمیت دعا در چنین ایامی می‌تواند به دلیل اجتماع مسلمانان در کنار هم و اتحاد و یکپارچگی جهان اسلام باشد. دعا را می‌توان به دو نوع ماثور و غیر ماثور تقسیم کرد. دعای ماثور، یعنی منقول از پیامبر(ص) و امامان(ع) یا حدیث قدسی. دعای غیر ماثور، یعنی دعایی که دعا کننده هنگام دعا از خود انشا می‌کند و یا از شخص دیگری رسیده و دعا کننده آن را بر زبان می‌آورد.^{۳۵} علامه طباطبایی دعا را به دو دسته تقسیم می‌کند: یک قسم دعای حق که مربوط به خدا است و هرگز از استجابات تخلف ندارد و قسم دیگر دعای باطل که به سوی هدف اجابت هدایت نمی‌شود، مانند دعا و خواندن کسی که دعا را نمی‌شنود و یا قدرت بر استجابات آن را ندارد.^{۳۶} پیامبر اسلام(ص) دعا را برگزیده‌ترین عبادت خوانده و فرموده است: «الدعاءُ مَخُ الْعِبَادَةِ»^{۳۷}. دعا از دیدگاه قرآن، تنها با راز و نیاز خالصانه خداوند و بر مبنای توحید معنا پیدا می‌کند و مورد استجابت قرار می‌گیرد: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»^{۳۸} در قرآن کریم خداوند به دعا کردن بسیار ترغیب می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^{۳۹}. همچنین در سوره فرقان آمده است:

«قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا»^{۴۰} و در جای دیگر می‌فرماید که اجابت دعا تنها از طرف خود او ممکن است: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^{۴۱}. بنابراین کفار را به دلیل آنکه نیازهای خود را به بتان بی جسم و روح عرضه می‌کردند و به آنها متوسل می‌شدند، سرزنش می‌فرماید: «إِن تَدْعُهُمْ لَّا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّتُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ»^{۴۲}. پس انسان برای هدایت یافتن و سرانجام نیک داشتن، نیاز به پاسخ گفتن دعوت خداوند دارد. امام علی(ع) به امام حسن(ع) می‌فرماید: «یا بنی و اعلم ان الذی بیده خزائن السموات و الارض قد اذن لك فی الدعاء».

یکی از دلایل روشن دعا و نیایش، حی یا زنده بودن خداوند است. نیایشگر وقتی به دعا و راز و نیاز می‌پردازد، می‌داند که خداوند متعال صدایش را می‌شنود و به دعایش پاسخ خواهد داد و با این دیدگاه است که انسان دستهای ناتوان خویش را عاجزانه به سمت معبودش دراز می‌کند، تا از رحمت و سیعش بر او ببارد. همچنین احساس نیاز به خداوند، از دیگر دلایلی است که انسان به دعا و نیایش می‌پردازد. پیامبر(ص) درباره حس نیاز به خداوند می‌فرماید: «اللهم احینا مسکینا و امتنی مسکینا و احشرنی فی زمره المساکین»^{۴۳}. انسان برای رسیدن به اصل خویش و کاهش فاصله ایجاد شده بین خود و خداوند، به دعا و نیایش می‌پردازد و می‌کوشد تا از اعمال ناپسند

۳۵. مفتاح الفلاح، ص ۷۱.

۳۶. تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۴۳۹.

۳۷. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۴۸؛ عده الداعی، ص ۲۹.

۳۸. نمل، ۶۲.

۳۹. غافر، ۶۰.

۴۰. فرقان، ۷۷.

۴۱. بقره، ۱۸۶.

۴۲. فاطر، ۱۴.

۴۳. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۹.



احساس امنیت می‌کند و به لهُو می‌پردازد، به هنگام سلامت مغرور است و به هنگام گرفتاری ناامید. اگر بلایی به او برسد، همچون بیچارگان دعا می‌کند و اگر آسایش و وسعت به او برسد، همچون مغروران از خدای روی می‌گرداند. نفس، او را در امور دنیا به انجام آنچه گمان دارد وادار می‌کند، ولسی در امور آخرت به آنچه یقین دارد، اعتنا نمی‌کند».^{۵۰}

اگرچه اجابت یکی از مهم‌ترین فواید دعا است و حتی در مواردی هدف اصلی دعا به نظر می‌رسد، اما هدف اصلی نیست، از این رو، پیشوایان دین، در بیشتر دعاها و مناجاتهای خویش، به دنبال راز و نیاز و گفتگو با معبود بوده‌اند، تا عبودیت و بندگیشان را در زیباترین واژگان اظهار نمایند. با این همه، مهم‌ترین رکن دعا، اعتقاد به اجابت آن است که بدون چنین باوری، فرد انگیزه‌ای برای دعا کردن ندارد و امیدوار به اجابت آن نیست.

مهم‌ترین عواملی که در اجابت دعا مؤثر هستند از این قرارند: ۱. ایمان به ربوبیت حق تعالی ۲. ایمان به قرب خداوند؛ در قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»^{۵۱} و «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ».^{۵۲} ۳. عقیده به سمیع و بصیر بودن خدا؛^{۵۳} برخی از دعاها (معصومان (ع) که از قرآن الهام گرفته‌اند، با عبارت «یا سمیع السامعین و یا ابصر الناظرین» آمده‌اند. ۴. توجه به قدرت الهی؛ در مناجات مسجد کوفه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آشکارا به این مطلب اشاره شده است: «مولای یا مولای أنت المولی و أنا العبد. أنت المالك و أنا المملوك ... أنت العزيز و أنا الذلیل ... أنت الخالق و أنا المخلوق ... أنت القوی

که مرتکب شده است، دوری گزیند و در برابر مالک خویش با رویی باز قرار گیرد. بنابراین اهمیت و نقش دعا در ادیان ابراهیمی به خصوص دین اسلام، بسیار پررنگ و تأثیرگذار است و حقیقت دعا و نیایش نیز، «سخن گفتن با خدا» و «درخواست کردن از او» است و اگرچه دعا سخن گفتن و درد دل کردن با خدا است، سخن گفتن با خود و جامعه نیز هست.^{۴۴}

اجابت و استجابت به یک معنا هستند که در استجابت طلب اجابت و پاسخ مورد نظر است.^{۴۵} این کلمه از ریشه «ج و ب» به معنای قطع کردن و بریدن است^{۴۶} و اجاب، یُجیب به معنای پاسخ و جواب دادن است.^{۴۷} همچنین در فرهنگ قرآنی هرگاه «سمیع» به دعا اضافه شود، به معنای اجابت کننده است.^{۴۸} اجابت شوق بنده به دعا است و با اصرار و پافشاری، به اجابت دعا می‌رسد و نشانه‌های اجابت همچون شور، وجد، تپش قلب، گریه و فریادهای ناخواسته، نوید دهنده آن است که دعا به اجابت رسید.^{۴۹}

پذیرش و اجابت دعا نیز شرایط و آدابی به همراه دارد که رعایت آنها، اجابت دعا را ممکن می‌سازد و عدم انجام این آداب، ممکن است در عدم پاسخ‌گویی به دعا اثرگذار باشد. گاهی ممکن است استمرار بر دعا، شرط اجابت آن باشد. امام علی (ع) افرادی را که در هنگام سختیها خداوند را می‌خوانند و از کردار بد خویش، پشیمان می‌شوند و هنگامی که به آسایشی می‌رسند، خداوند را فراموش می‌کنند، سرزنش کرده و می‌فرماید: «اگر بیمار شود، پشیمان گردد و اگر تندرست باشد،

۴۴. جامعه سازی قرآنی، ص ۱۹۲.

۴۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۸.

۴۶. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۱۰.

۴۷. اساس البلاغه، ص ۶۸.

۴۸. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۸۶.

۴۹. نیایش، ص ۴۸.

۵۰. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

۵۱. ق، ۱۶.

۵۲. واقعه، ۸۵.

۵۳. غافر، ۲۰.



و أنا الضعیف»^{۵۴} دعا کننده باید معتقد به اراده و قدرت بی چون و چرای الهی باشد و ایمان داشته باشد به اینکه اراده خداوند در تحقق هر امری، به همان صورت که اراده اش باشد، بی واسطه یا با واسطه، دفعی یا تدریجی، محقق خواهد شد و این حقیقت را خداوند متعال به بهترین شکل بیان می فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^{۵۵}. ۵. اضطرار؛ مهم ترین عامل برای بریدن از غیر خدا است که به معنی احتیاج و اجبار نیز آمده است.^{۵۶} آیه ۶۲ سوره نمل به این مطلب اشاره دارد: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»^{۵۷} امام صادق (ع) نیز در این باره می فرماید: «وقتی یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب شود، لازم است از تمام مردم منقطع و مأیوس گردد و غیر از خدا به کسی نظر نداشته باشد. وقتی خداوند چنین حالتی را در بنده ببیند، دعای او را اجابت خواهد کرد»^{۵۸}. ۶. اخلاص در دعا؛ به گفته برخی «اخلاص اکسیری است که هر عملی را ملکوتی می کند و از دسترس شیطان دور می دارد. اخلاص قرقگاهی است که هیچ ابلیس و شیطانی به آن نزدیک نمی شود و شعاع میدان و سوسه های او آنجا را تهدید نمی کند»^{۵۹}.

از طرفی دیگر عواملی چون دل به غیر خدا بستن، کوشش نکردن، آلوده به صفات ناپسند اخلاقی بودن، مخالفت کردن با سنتهای الهی، عدم پرداخت حقوق دیگران، عدم شایستگی و نداشتن قابلیت، و طی نکردن راههای طبیعی و قانونی،

۵۴. البلد الامین، ص ۳۱۹.

۵۵. یس، ۸۲.

۵۶. قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۷۸.

۵۷. نمل، ۶۲.

۵۸. مصباح الشریعه، ص ۱۳۴.

۵۹. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۵، ص ۲۶۵.

از جمله موانع استجاب دعا هستند که باید رفع شوند، تا زمینه اجابت فراهم گردد. مهم ترین موانع استجاب دعا، علاوه بر نکات یاد شده، عبارتند از: ۱. تنافی با سنتهای آفرینش؛ دعا نباید برخلاف سنتهای الهی که بر پایه حق و حکمت بنا شده است، باشد، برای مثال خداوند برای هریک از انسانها اجلی قرار داده است که با فرارسیدن زمان آن، گریزی نیست: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»^{۶۰} بنابراین اگر کسی دعا کند که خداوند به او عمری بی پایان بدهد، چنین خواسته ای به معنای تعطیلی در قانونی قطعی الهی، و مانع استجاب دعا است. ۲. تراحم دعاها؛ گاهی شخصی که از ستم دیگری به ستوه آمده، علیه او دعا می کند و از خداوند انتقام خود را درخواست می کند، ولی همین شخص ممکن است به خاطر ستمی که خود به دیگری کرده، مورد غضب خداوند قرار گرفته باشد. همین تراحم دعاها می تواند مانع استجاب گردد. امام صادق (ع) می فرماید: «هرگاه شخصی مورد ستم دیگری واقع شود، سپس علیه او از درگاه خداوند تقاضای انتقام کند، خداوند می فرماید: شخص دیگری هست که ادعا دارد از سوی تو مظلوم واقع شده و بر تو نفرین می کند، اگر می خواهی تا دعای تو را دربار او و دعای او را در حق تو به اجابت رسانم و گرنه هیچ یک را برآورده نمی کنم، تا از عفو خود شما را بهره مند سازم»^{۶۱}. ۳. عدم قابلیت؛ مانند داستان پسر حضرت نوح (ع): «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ»^{۶۱}. ۴. بی توجهی به واسطه ها؛ حضرت

۶۰. اعراف، ۳۴.

۶۱. هود، ۴۶.



اجابت دعا این است که همه آنها را ترک کنی و نیتی خالص و پاک برای خداوند داشته باشی. آن مرد چنین کرد و خداوند متعال در پاسخ دعایش پسری به او عنایت فرمود.^{۶۵} ۸. ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّيَ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ».^{۶۶} ۹. گناه؛ امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «توقع اجابت دعا را نداشته باش و حال آنکه با گناهانت راه اجابت را بسته‌ای».^{۶۷} ۱۰. پرداختن به مشاغل حرام؛ آن حضرت در این باره نیز می‌فرماید: «افرادی که اسرارشان را نزد ستمکاران فاش نمایند، یا گزمه و همکاران داروغه یا نوازنده ساز، تقاره‌چی و دهل‌زن باشند، گناه ایشان مانع اجابت دعایشان می‌شود».^{۶۸}

دعا در یهودیت و کارکردهای آن

دعا، یا براخوت (Berakhot) در یهودیت، ارائه، تقاضا، اعتراف، نیایش یا شکرگزاری به خداوند است و با الفاظ مختلفی مثل عمیدا و تفیلا شناخته می‌شود. بیشترین واژه معمولی برای دعا، تفیلا است. این واژه متناظر با کلمه هیت پل (Hitpallel)^{۶۹} و به معنای تفکر (To think)، التماس کردن (Entreat)، قضاوت (Judge)، و شفاعت کردن (Intercede) است.^{۷۰} عمیدا به معنای ایستادن، نیایشی یهودی است که دربر دارنده ۱۸ دعای شکرگزاری است. این دعاها، هسته اصلی ساختار هر یک از سه مراسم مذهبی

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «نباید یکی از شما بگوید: خدایا از فتنه و آزمایش به تو پناه می‌برم؛ زیرا کسی نیست که گرفتار فتنه نباشد، ولی کسی که پناه می‌برد، باید از فتنه‌های گمراه کننده به خدا پناه ببرد؛ چون خداوند سبحان می‌فرماید: بدانید مال و فرزندان شما فتنه است، و معنی آن این است که خدا آنها را به مال و فرزندان می‌آزماید، تا خشنود از ناراضی آشکار شود، اگرچه خداوند به آنها آگاه‌تر از خودشان است، اما به خاطر آنکه اعمالی که سزاوار ثواب است، از آنچه مستحق عقاب است، پدید آید».^{۶۲} ۵. ناامیدی در دعا؛ کسی که از استجاب دعا مأیوس باشد، دعایش مستجاب نمی‌شود.^{۶۳} در حدیثی از امام سجاد (ع) گناهایی که موجب قطع امید از خداوند می‌شوند، چهار چیز است: ناامیدی از گشایش خداوند، دلسردی و قطع امید از رحمت خداوند، اعتماد و اطمینان به غیر خدا، و تکذیب وعده خداوند.^{۶۴} ۶. دعاهاى شخص ظالم؛ انسان باید برای به اجابت رسیدن دعایش، خود را خالص برای خداوند گرداند و هر آنچه را که موجب دفع و رد دعا می‌گردد، از خویش دور کند که ظلم در حق دیگران و ظالم بودن از اسباب رد دعا هستند و فرد باید آنها را از خویش دور سازد، تا دعایش در محضر حضرت سبحان مورد توجه قرار گیرد. ۷. عدم صدق نیت؛ در الکافی آمده است که مردی از بنی اسرائیل ۳۰ سال دعا می‌کرد و مستجاب نمی‌شد، تا اینکه از خداوند علت رد دعایش را پرسید، و در رؤیا به او گفتند: در حالی که دعا می‌کنی، زبان فحاشی، دلی دنیاپرست و ناپاک و نیتی دروغ و بدون خلوص داری و لازمه

۶۵. الکافی، ج ۴، ص ۱۱.

۶۶. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۶۷. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۲.

۶۸. قاموس نهج البلاغه، ج ۳، ص ۶۴۸.

۶۹. اول پادشاهان، ۴۲: ۸.

۶۲. نهج البلاغه، حکمت ۹۳.

۶۳. دعاها و تهلیلات قرآنی، ص ۲.

۶۴. معانی الاخبار، ص ۲۷۱.



روزانه یهودیت است. همچنین تحت عنوان شِموٰنه عسره (Shemoneh Esreh) به معنای هیجده یا در منابع تلمودی، ها تفیلا (Ha tefillah) آمده است.^{۷۱} در کتاب مقدس، مفهوم دعا مبتنی بر این عقیده است که خداوند وجود دارد، می شنود و پاسخ می دهد؛ یعنی او یک خدای شخصی است.^{۷۲} دعا و نیایش در زندگی همه انسانها در طول تاریخ، عصاره و اساس زندگی روحانی انسان و ارتباط او با عالم غیب و مظهر نیاز به درگاه عالم الوهیت است و بدون در نظر گرفتن آیین یا مراسم خاصی، شامل هرگونه سخن گفتن با خداوند و توجه انسان به او است. «پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی».^{۷۳} یهودیان معتقدند تنها قومی هستند که خداوند به آنها نزدیک است و هر وقت بخواهند، می توانند دعا کنند. در سفر تثنیه درباره این باور آمده است: «کدام قوم بزرگ است که خدا نزدیک ایشان باشد، چنان که یهوه خدای ما است در هر وقت که نزد او دعا می کنیم؟».^{۷۴} در مجموع دعا در تصورات کتاب مقدس به عنوان یک حلقه اتصال معنوی بین انسان و خدا است و یک وسیله بزرگ است برای اصلاح و رهایی بشر که حتی سزاوارتر از شهادت و کمال اخلاقی است.^{۷۵} آبراهام جاشوئا هیشل در تعریف دعا می گوید: دعا کردن، محافظت از یک کلام است و محبت کردن به هدفی است که به خدا منتهی می شود، کلام محکم و پر قدرتی که در اوج قرار دارد ... دعا انگیزه نیست، بینش است، بینشی که نسبت به راز هستی ما را قادر به دعا کردن می کند.^{۷۶} هرمن

71. "Amidah", P.838.

72. "Prayer", P.978.

۷۳. مزور، ۵۰: ۱۵.

۷۴. تثنیه، ۴: ۷.

75. "Prayer", P.978.

76. *Between God and Man*, P.213.

ووک نویسنده یهودی معتقد است: دعا و نیایش، با یک قالب سراسر متوجه خدا، معمولاً لحظاتی نورانی در زمان نامعلومی برای انسان به ارمغان می آورد. این لحظات نورانی، انسان را مرتبط با عالم نور و پاکی و عالم الوهیت می کند؛ این لحظات نورانی، پاداش یک عمر نیایش و دعا و نماز است.^{۷۷}

درباره سیر تاریخی دعا در کتاب سیری در تلمود چنین آمده است: دعا، در دوره معبد اول خودجوش بوده و انسان بنا بر ضرورت به درگاه خداوند دعا می کرد و در هر مکانی می توانست این کار را انجام دهد و یا هنگام سختیها نیز به معبد رفته و به نیایش می پرداخت و در دوره معبد دوم ضرورت وجود یک نسخه رسمی از دعاها آشکار شد و بعد از اسارت بابلی و ایجاد مشکلات زبانی و محتوایی برای دعا کردن، مجمع کبیر دعای مشخصی را که بازتاب آرزوهای قوم یهود بود، تألیف کرد و این دعا از ۱۸ برکت بود که هر یک درباره نیازها و استغاثه های گوناگون است و مجموع این دعاها نیز به شِموٰنه عسره یا فقط به تفیلا (دعا) معروف است که بخش اصلی کتابهای دعایی یهود را تشکیل می دهد.^{۷۸}

یهودیان در زمانهای مختلف دعاها را متفاوتی دارند. در یک مفهوم گسترده می توان گفت که دعا شامل هرگونه سخن گفتن و توجه انسان به خداوند است. در اینجا موضوع بحث، مخاطب قرار دادن خداوند به صورت درخواست، تمنا و تضرع است که به معنای دعا است و دعاها عبارتند از: درخواست کردن، مباحثه و عتاب دوستانه کردن به اعتراف، تفکر روحانی، در خلسه و تجدید خاطره فرو رفتن، شکرگزاری،

77. *This Is My God*, P.124.

۷۸. سیری در تلمود، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

ستایش، تقدیر و شفاعت.^{۷۹} برخی دعاها برای عطا و بخشش الهی به کار می‌روند مانند: ۱. خدا به آنها می‌بخشد و اجابت می‌کند. ۲. خدا در اموال دعا کننده تغییر ایجاد می‌کند. دعاهاى دیگری نیز وجود دارد که در آنها چیزی مطالبه می‌شود، مانند طلب لطف، رحمت و نجات و یا طلب روشنفکری و هدایت. دعاهاىی که در آن روحیه قوم شناخته می‌شود: «موسى نزد یهوه خدای خود تضرع کرده گفت: ای یهوه چرا خشم تو بر قوم خود که با قوت عظیم و دست زور آور از زمین مصر بیرون آورده‌ای، مشتعل شده است؟»^{۸۰} این دعاها همراه با ناله و زاری هستند و چهره خوبی برای قوم ترسیم می‌کنند، اما دعاهاىی با فریاد و استغاثه هستند که در آنها ندامت و جبران اشتباه نمایان است. دعاهاى شخصی هم وجود دارد، مانند: «برای شیث نیز پسری متولد شد و او را آئوش نامید. در آن وقت به خواندن اسم یهوه شروع کردند»،^{۸۱} «ابرام گفت: ای سلطان تعالی یهوه مرا چه خواهی داد و من بی‌اولاد می‌روم و مختار خانام این العاذار دمشقی است؟ و ابرام گفت: اینک مرا نسلی ندادی و خانه‌زادم وارث من است».^{۸۲} برجسته‌ترین این دعاها در زندگی حضرت یعقوب وجود دارد، برای نمونه: «یعقوب نذر کرده گفت: اگر خدا با من باشد و مرا در این راه که می‌روم، محافظت کند و مرا نان دهد، تا بخورم و رخت بپوشم، تا به خانه پدر خود به سلامتی برگردم، هر آینه یهوه خدای من خواهد بود».^{۸۳} نوع دیگری از این دعاها نیز برکت‌هایی است که در دین یهود دعای خیر محسوب می‌شود. همچنین

دعایی دیگر درباره زمان آینده است، مانند: «این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی‌اسرائیل داده است».^{۸۴} نفرین و لعنت هم جزء دعاها محسوب می‌شود. این نفرینها در اشعار روحانی به فراوانی مشهود است: «ای خدای من ایشان را به یادآور؛ زیرا که کهنات و عهد کهنات و لایوان را بی‌عصمت کرده‌اند. پس من ایشان را از هر چیز بیگانه طاهر ساختم و وظایف کاهنان و لایوان را برقرار نمودم که هرکس بر خدمت خود حاضر شود».^{۸۵}

دعا و کارکرد آن در کتاب مقدس و زندگی دینی یهود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مفهوم عمیقی از ماهیت دعا به عنوان تفیلا - که به باور گلدزیهر به معنای ستایش خدا به عنوان داور و عادل است - ابراز شده است.^{۸۶} در مزامیر، آمده است: «پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی».^{۸۷}

دعا می‌تواند تقویت نیات نیک و حسنه باشد و باعث از بین بردن ابهامات، کینه‌توزیها، حسادتها و اعمال ناپسند شود. نمونه‌هایی از این دسته دعاها در عهد عتیق بیان شده است: «یهوه می‌گوید: به ذات خود قسم می‌خورم چون که این کار را کردی و پسر یگانه خود را دریغ نداشتی، هر آینه تو را برکت دهم و ذریت تو را کثیر سازم، مانند ستارگان آسمان و مثل ریگهایی که بر کنار دریا است و ذریت تو دروازه‌های دشمنان خود را متصرف خواهند شد و از ذریت تو جمیع امتهای زمین برکت خواهند یافت، چون که قول مرا شنیدی»^{۸۸} و در جای دیگر آمده است: «موسی و

۸۴. تثنیه، ۳۳: ۱.

۸۵. نحیما، ۲۹: ۱۳-۳۰؛ مروری برگستره دعاپروهي، ص ۳۴.
86. "Prayer (Jewish)" P.191.

۸۷. مزمور، ۵۰: ۱۵.

۸۸. پیدایش، ۱۶: ۱۸-۲۲.

79. "Prayer", P.978.

۸۰. خروج، ۳۲: ۱۱.

۸۱. پیدایش، ۲۶: ۴.

۸۲. پیدایش، ۲: ۱۵-۳.

۸۳. پیدایش، ۲۰: ۲۱-۲۸؛ ۳۲: ۹-۱۲ و ۲۲.





هارون از کاهنانش و سموئیل از خوانندگان نام او، یَهُوه را خواندند و او ایشان را اجابت فرمود».^{۸۹} در کتاب مقدس دعا از قربانیها و اعمال نیک با اهمیت تر بیان شده است، چنانکه حاجت حضرت موسی (ع) تنها با دعا و نماز اجابت می‌شود.^{۹۰} در سراسر عبارات تلمود، نگرشهای زیبایی درباره دعا وجود دارد، از جمله اینکه از دعاهای یک شخص می‌توان کشف کرد که آیا او دارای فرهنگی از یک فضای دینی و اخلاقی است، یا خیر؟! یکی از مهم‌ترین کارکردهای دعا نیز تبدیل کردن خشم و غضب ذات مقدس پروردگار به رحمت است.^{۹۲}

ترک دعا در دین یهود به معنی گناه کردن است که البته این مطلب نشان دهنده اهمیت دعا در انجام آیین عبادیشان است. در اول سموئیل آمده است: «لیکن از یَهُوه بترسید و او را به راستی به تمامی دل خود عبادت نمایید و در کارهای عظیمی که برای شما کرده است، تفکر کنید».^{۹۳}

دعای شِما

در دین یهود از ابتدا تاکنون دعاهای رسمیت یافته‌ای وجود داشته است و یهودیان اصل و اعتبار این دعاها را به کتاب مقدس ارجاع می‌دادند که از آن میان دعای «شِما» (Shema) است که از نماز معبد گرفته شده است.^{۹۴} دعای مذکور، مهم‌ترین دعای یهودیان است که در لغت به معنای «بشنو» و در اصطلاح نام دعایی مأخوذ از سفر تثنیه است: «ای اسرائیل بشنو یَهُوه

خدای ما یَهُوه واحد است».^{۹۵} این دعا، جزء مهم برنامه‌های صبحگاهی و شامگاهی یهودیان است که با اقرار به ایمان یهودی آغاز می‌شود و به این طریق وحدانیت خداوند را اعلام می‌کنند.^{۹۶} دعای شِما در دوره معبد دوم به مراسم رسمی نیایش افزوده شد و لازمه تعهد عامه مردم را در یادگیری و به خاطر سپردن آموزه‌های تورات در همه زمانها، یادآور می‌شود و خواندن آن نیز مربوط به مراسم نماز جماعت بود که باید از حفظ خوانده می‌شد.^{۹۷} در ادامه دعای شِما، نیایش شامل دعای خیر، مزامیر، سرودها و گزیده‌هایی از کتاب مقدس آمده است.^{۹۸}

عنصر زمان و مکان در دعا

زمان و مکان دعا تأثیر مهمی در برآورده شدن آن دارد. اگرچه در عهد عتیق عمومیت ندارد و تأکید خاصی بر زمان و مکان دعا صورت نگرفته است، ولی دعاهایی در زمان و مکان خاصی نیز دیده می‌شود،^{۹۹} برای مثال اوقات معین دعا براساس زمانهای برگزاری مراسم عمومی قربانی در معبد تعیین شده بود و با مشخص شدن زمان و الفاظ دعاها نهاد کنیسه (Synagogue) [بت هِکِنست یا کنیسا] به وجود آمد و تصمیم به برگزاری دعا به جماعت گرفته شد، اما یک‌دست سازی مراسم دعا و استغاثه‌های خصوصی که رابطه افراد مطابق میل خودشان با خداوند بوده، تأثیرگذار نبوده است و بدین جهت از کنیسه به عنوان محلی برای برگزاری دعا استفاده می‌کردند.^{۱۰۰} هِشِل درباره زمان دعا می‌گوید: دعا در زمان گرایش کامل

۹۵. تثنیه، ۶: ۴.

96. "Shema", P.1370.

۹۷. سیری در تلمود، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

98. "Shema", P.1370.

۹۹. اشعیا، ۵۶: ۱۷.

۱۰۰. سیری در تلمود، صص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۸۹. مزامیر، ۹۹: ۶.

۹۰. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۰۱.

91. "Prayer (Jewish)" P.194.

۹۲. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۰۰.

۹۳. اول سموئیل، ۱۲: ۲۴.

۹۴. یهودیت، مسیحیت، اسلام، ص ۸۳.

قلب به خدا و به سوی خیر و قدرت او واقع می‌شود. در زمان دعا، اندیشه نیازهای شخصی غایب می‌شود و تنها اندیشه فیض و برکت الهی در ذهن حاضر است.^{۱۰۱}

اخلاص در دعا

یهودیان دعا و نیایش بدون اخلاص را دعا نمی‌دانند و اگر فردی بدون اخلاص دعا کرده باشد، باید بار دیگر دعا کند. اخلاص یعنی اینکه شخص باید قلب خود را از تمام اندیشه‌ها خالی کند و خودش را ایستاده در مقابل خدا ببیند. دعای حقیقی از عمق جان برمی‌خیزد و صرف حرکت و تلفظ زبان نیست و باید قلب خود را متوجه خالق جهان ساخت و عبادتی است که در دل انجام می‌گیرد.^{۱۰۲} در تورات آمده است: «چنین خواهد شد که اگر دستوراتی را که من امروز برای شما امر می‌فرمایم، بشنوید و یهوه خدای خود را دوست بدارید و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایید.»^{۱۰۳} همچنین برای اجابت دعا، علاوه بر حضور قلب و خواندن دعا از اعماق دل، شخص دعا کننده باید شایستگی دعا کردن را داشته باشد و دعای فردی مستجاب است که رضایت خداوند را با تمرکز در هنگام دعا کردن بجای آورد.^{۱۰۴} هیشل می‌گوید: متن دعا هرگز مهم‌تر از اخلاص درونی نیست و سکوت مطلق برای تمرکز در دعا یک قانون به حساب می‌آید.^{۱۰۵} بنابراین قبل از ورود به دعا، عبادت کننده باید ذهن خود را برای دعا خالص و خالی کند، سپس آرام آرام شروع به

دعا کردن نماید.^{۱۰۶}

دعای فردی و اجتماعی

دعا یک ارتباط درونی به هنگام نیاز انسان به خداوند است. با در نظر گرفتن دعا به عنوان عمل، میان دعای فردی و دعای مناسکی (Ritual Prayer) تفاوت گذاشته می‌شود.^{۱۰۷} آنچه از مطالب بررسی شده و قرائن موجود در دین یهود درباره دعاهای فردی و مناسکی، به دست می‌آید، این است که دعای جمعی و مناسکی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. دعا کردن به صورت فردی، اطمینان بخش نیست و اصرار بر این است که دعا به صورت گروهی انجام شود و دسته جمعی باشد. دعای عمومی برتر از دعای انفرادی است و حقیقت این است که دعای انفرادی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه جمعی باشد.^{۱۰۸}

در دین یهود، توجه به هموعان در هنگام دعا کردن بسیار مورد توجه قرار گرفته و فرد هنگام دعا کردن اگر برای دیگر هموعانش طلب آمرزش و رحمت نکند، گناهکار است: «الآن اینک پادشاهی که برگزیدید و او را طلبیدید و همانا یهوه بر شما پادشاهی نصب نموده است.»^{۱۰۹} در جای دیگر درباره اهمیت دعاهای مناسکی آمده است: عبادات جمعی عامل مهم و یک همبستگی اجتماعی را به وجود می‌آورند؛ زیرا در این عبادات نیات فردی افراد در درجه دوم قرار می‌گیرند، از این رو در کنیسه‌ها هیچ اتاقی برای نیایشهای شخصی و دعاهای خودخواهانه وجود ندارد و حتی در دعاها و نیایشهای مبتنی بر درخواستهای جمعی، برای تقاضای دنیوی، تابع



106. "Prayer (Jewish)" P.194.

۱۰۷. «دعا از سه منظر»، ص ۷۱.

108. *Between God and Man*, P.209.

۱۰۹. اول سموئیل، ۱۲: ۱۳.

101. *Between God and Man*, P.201.

۱۰۲. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۰۲.

۱۰۳. تنبیه، ۱۱: ۱۳.

۱۰۴. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۰۱.

105. *Between God and Man*, P.206.



درخواست برای روشنایی روح و قدرت اخلاقی بود.^{۱۱۰}

دعاهای شخصی پس از عبادات جمعی اجرا می‌شود، اما با وجود برتری دعاها و نیایشهای جمعی نسبت به دعاهای فردی، تعداد اندکی از دعاهای فردی در درجه دوم و پس از نیایش جمعی قرار می‌گیرند و در کتاب دعاهای یهودی وجود دارند، برای نمونه از این دعاهای شخصی، در میشنا آمده است: «ای خدای ابدی آیا اراده تو خواهد بود که ما را از تنهایی که با ما بیگانه است، یا از تکبر که از خود ماست و از هر انسان شریر و بخت بد و غریزه شیطانی و همراه و همسایه شریر و از هر وسوسه‌گر ویران‌کننده و از قاضی ظالم و دشمن ستمگر حفظ بفرمایی».^{۱۱۱} درباره تعداد افراد جماعت در هنگام و زمان دعا نیز اطلاع دقیقی در دست نیست، فقط می‌دانیم که جمعیتی بیشتر از ۱۰ نفر لازم است.^{۱۱۲}

نتیجه‌گیری

۱. دعا در طول تاریخ در ادیان ابراهیمی اهمیت بسیار داشته و رابطه بشر با خداوند تلقی می‌شده و از عوامل جلب امداد غیبی در قرآن و عهد عتیق است. از عناصر مشترک میان انسانهای مؤمن در اسلام و یهود، دعا و زبان دعا، آداب حین دعا، و آداب قبل و بعد از دعا است که فرد مؤمن با رعایت این آداب، سعی در جلب رضایت خداوند دارد.

۲. آنچه در دعا مد نظر هردو دین است، کوشش برای رضایت خداوند از طریق واسطه‌ها است که در اسلام بیشتر به چشم می‌خورد. در هردو آیین، به دعا سفارش شده است: در قرآن آمده

است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^{۱۱۳} و در عهد عتیق گفته شده است: «پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی».^{۱۱۴} درباره زمان و مکان دعا، در اسلام بسیار تأکید شده است، اما در عهد عتیق این موضوع عمومیت ندارد و بر آن تأکید نشده است، با این وجود دعاهایی در زمان و مکان خاص نیز به چشم می‌خورد، مانند: «غریبانی که با یهوه مقارن شده او را خدمت نمایند و اسم یهوه را دوست داشته پندهای او بشنوند؛ یعنی همه کسانی که سبت را نگاه داشته آن را بی‌حرمت نسازند و به عهد من متمسک شوند. ایشان را به کوه قدس خود خواهیم آورد و ایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهیم ساخت و قربانیهای سوختنی و ذبایح ایشان بر مذبح من قبول خواهد شد؛ زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمامی قومها مسما خواهد شد».^{۱۱۵}

۳. در هردو دین، انسان در همه شرایط قادر به دعا کردن است، اما اوقات معینی برای دعا کردن وجود دارد که امکان اجابت دعا را بیشتر فراهم می‌نماید. در اسلام بر طبق احادیث و کتب معتبر دینی، بهترین اوقات، شبهای قدر، نیمه شب و سحرگاهان، بین اذان و اقامه، در سجود نماز، روز جمعه و ... است. در دین یهود، دعا اوقات معینی داشت که براساس زمانهای برگزاری مراسم عمومی قربانی در معبد تعیین شده بود.^{۱۱۶} همچنین دعاهای فردی و جمعی در هردو آیین مطرح بوده که برای مسلمانان مسجد و برای یهودیان کنیسه محلی است که در آن افراد دین‌دار برای برگزاری دعا جمع می‌شوند.

۱۱۳. غافر، ۶۰.

۱۱۴. مزامیر، ۵۰: ۱۵.

۱۱۵. اشعیا، ۵۶: ۷۰.

۱۱۶. سیری در تلمود، صص ۱۵۷ و ۱۵۸.

110. "Prayer (Jewish)" P.194.

111. Ibid.

۱۱۲. سیری در تلمود، صص ۱۵۷ و ۱۵۸.

- قرآن کریم.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- آملی، محمد بن محمود، نفايس الفنون، به کوشش بهروز ثروتیان، تهران، فردوس، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، عوالی اللئالی، قم، سیدالشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ابن فهد حلّی، احمد، عدة الداعی، بیروت، دارالکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- اشتاین سالتس، آدین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- بهایی، محمد، مفتاح الفلاح، تهران، حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.
- پیترز، اف. ئی، یهودیت، مسیحیت، اسلام، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، به کوشش احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، بی تا.
- حکیمی، محمدرضا، جامعه سازی قرآنی، قم، دلیل ما، چاپ هفتم، ۱۳۸۳ش.
- خاتمی، روح الله، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- دلمی، حسن بن حسن، ارشاد القلوب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالمکتبة الحیاة، ۱۴۱۴ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، به کوشش عبدالرحیم محمود، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- شرقی، محمد علی، قاموس نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی تا.
- شریعتی، علی، نیایش، تهران، الهام، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ش.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مصباح الشریعه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- شهیدی، سید محمدباقر، دعاها و تهلیلات قرآنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ش.
- غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۲ش.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و



- ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم).
- کفعمی، علی بن حسن، البلد الامین، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش محمدحسین درایتی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
- کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- گیل، سام دی، «دعا از سه منظر»، ترجمه حمید بخشنده، مجله هفت آسمان، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۶ش.
- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- مهروش، فرهنگ، مروری بر گستره دعا پژوهی، تهران، بصیرت، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- نسائی، احمد بن شعیب، سنن الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- Abrahams, Isreal, "Prayer", *Encyclopaedia Judaica*, Vol.13, Jerusalem, Keter Publishing, 1996.
- Bowker, John (Ed), *the Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford University Press, 1997.
- Heincmann, Josef, "Amidah", *Encyclopaedia Judaica*, Vol.2, Jerusalem, Keter Publishing, 1996.
- Heshel, Abraham, *Between God and Man*, The Free Press, New York, 1959.
- Jacobs, Louis, "Shema", *Encyclopaedia Judaica*, Vol.14, Jerusalem, Keter Publishing, 1996.
- Perles, Felix, "Prayer (Jewish)" *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, Vol.X, James Hastings (Ed), Edinburgh: T&T. Clark, 1914.
- Wouk, Herman, *This Is My God*, Great Brition, London, 1960.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

